

## A Comparative Study of the Meaning of Life in the Atheistic Existentialism and the Quranic View of Allameh Tabataba'i

Ebrahim Fahli<sup>1</sup>

1. PhD of Counseling, Assistant Professor, Department of Counseling, Sayyed Jama'leddin Asadabadi University, Asadabad, Iran. fehli@sjau.ac.ir

### ABSTRACT

Received: 13/03/2024 - Accepted: 28/10/2024

**Aim:** The current research aimed to conduct a comparative study of the meaning of life in atheistic existentialism and the Quranic view of Allameh Tabataba'i. **Methods:** This research was carried out with a qualitative approach and the thematic analysis method of Brown and Clark and the comparative method of Brady. The research population includes all the documents, written sources and articles related to the subject and the purposeful sampling method and the adequacy of the sample size of the studied documents was obtained through the data saturation method. The research tool was document analysis, whose validity was examined by the Lincoln and Goba method concerning four criteria of credibility, transferability, dependability, and confirmability, and the data were analyzed by the thematic analysis method. **Results:** In the analysis of the themes, it was found that the atheistic existentialism and the Qur'anic view of Allameh Tabataba'i could be investigated and recognized with 3 themes respectively in the fields of epistemology, cosmology and anthropology. **Conclusion:** The results indicated a consensus between the two perspectives on humans' existential need for the meaning of life and the emergence of a psychological crisis in case of any disruption in its realization. Atheistic existentialism and the Quranic view of Allameh Tabataba'i were significantly different in the possibility of meaning achievement, the ways of acquiring meaning, and whether to find or construct meaning (epistemology), the purposefulness of the world and the existence of the resurrection (cosmology), and human purpose in the world, the pre-birth essence, existential anxiety, and the existence of the soul and the inherent value of human (anthropology). These fundamental differences can be attributed to the human- and God-centered perspectives in atheistic existentialism and the Quranic view of Allameh Tabataba'i, respectively.

**Keywords:** Meaning of life, atheistic existentialism, Quranic view, Allameh Tabataba'i



فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره  
انجمن مشاوره ایران  
جلد ۲۳، شماره ۹۱، پاییز ۱۴۰۳  
مقاله پژوهشی

e-issn: 4018-2717

p-issn: 400-2717X

DOI: 10.18502/qjcr.v23i91.16936

## مطالعه تطبیقی معنای زندگی در وجودگرایی الحادی و نگاه قرآنی علامه طباطبایی

ابراهیم فهلی<sup>۱</sup>

fehli@sjaui.ac.ir

۱. دکتری مشاوره، استادیار، گروه مشاوره، دانشگاه سید جمال الدین اسدآبادی، اسدآباد، ایران.

### چکیده

**هدف:** هدف از پژوهش حاضر مطالعه تطبیقی معنای زندگی در وجودگرایی الحادی و نگاه قرآنی علامه طباطبایی بود.

**روش:** این پژوهش با رویکرد کیفی و با روش تحلیل تماتیک برون و کلارک و روش تطبیقی بردی انجام شد. جامعه پژوهش شامل کلیه اسناد، منابع مکتوب و مقالات مرتبط با موضوع و روش نمونه گیری هدفمند و کفایت حجم نمونه اسناد مورد مطالعه به روش اشباع داده بدست آمده است. ابزار مورد استفاده در این پژوهش تحلیل اسناد بود که اعتبار آن با روش لینکلن و گوبا در چهار ملاک اعتبار پذیری، انتقال پذیری، تائید پذیری و اطمینان پذیری بدست آمد و داده‌ها به روش تحلیل مضمون تحلیل شدند.

**یافته‌ها:** در تحلیل مضامین مشخص شد وجودگرایی الحادی و نگاه قرآنی علامه طباطبایی هر یک با ۳ مضمون پایه در زمینه‌های معرفت‌شناسی، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی قابل بررسی و تشخیص بودند.

**نتیجه‌گیری:** نتایج نشان داد در نیاز وجودی انسان به معنای زندگی و ایجاد بحران روانی در صورت خلل در معنای زندگی، در دو دیدگاه اشتراک نظر وجود دارد. در مضمون معرفت‌شناسی در امکان دست یابی به معنا، راه‌های کسب معنا و یافتنی یا ساختنی بودن معنا، در مضمون جهان‌شناسی در دو بعد هدفمندی عالم و وجود معاد و در مضمون انسان‌شناسی در ابعاد هدفمندی انسان در جهان، داشتن ماهیت قبل از تولد، اضطراب وجودی، وجود روح و ارزش ذاتی انسان، بین دو دیدگاه وجودگرایی الحادی و نگاه قرآنی علامه طباطبایی تفاوت معناداری مشخص گردید. به نظر می‌رسد علت این تفاوت‌های بنیادی در حوزه‌های سه گانه، به نگاه انسان محور در وجودگرایی الحادی و نگاه خدا محور در نگاه قرآنی علامه طباطبایی مربوط باشد.

**واژه‌های کلیدی:** معنای زندگی، وجودگرایی الحادی، نگاه قرآنی، علامه طباطبایی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۷

## مقدمه

معنای زندگی یک نیاز وجودی انسان است که نقش اساسی در سلامت روانی دارد (یالوم، ۱۹۸۰، ترجمه حبیب ۱۳۹۳) و پرسش از معنای زندگی یکی از سوالات اساسی بشر (کینگ و هیکس<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱) است. جستجوی معنای زندگی به معنی جستجو برای انسجام و اهمیت داشتن و فقدان اهمیت به معنی فقدان هدف، جوهر و کیفیت (یالوم، ۱۹۸۰، ترجمه حبیب ۱۳۹۳) و پرسش از غایت‌مندی هستی، واجد ارزش و اهمیت بودن و فایده و کارکرد داشتن است (ایگلتن، ۲۰۰۷). این بحث از نظر مفهومی، به دو بعد مرتبط اما متمایز تقسیم می‌شود: حضور معنا (تجربه معنا) و جستجوی معنا (دورسون؛ آلواجود و یلماز<sup>۲</sup>، ۲۰۲۲).

یکی از مکاتبی که به معنای زندگی به عنوان یک مسأله‌ی وجودی<sup>۳</sup> بشر پرداخته مکتب وجودگرایی<sup>۴</sup> است، اصطلاح وجودگرایی از واژه اگزیستانسیالیسم<sup>۵</sup> و از ریشه اگزیستانس به معنی «هستی انسان» است (میچل مان<sup>۶</sup>، ۲۰۰۸)، نه به معنای مطلق هستی که شامل جهان، خدا و انسان می‌شود (باونین و یو<sup>۷</sup>، ۲۰۰۴). وجودگرایان معتقدند در ورای همه روزمرگی‌ها، انسان با دلواپسی و اضطراب هستی‌شناختی تنهایی، مرگ، آزادی و احساس پوچی و بی‌معنایی زندگی روبرو است، در حوزه معنای زندگی با سوالات اساسی مانند: اگر جهان نسبت به ما بی‌اعتنا است و جهان را خود باید بسازیم، پس زندگی چه معنایی دارد، چرا زندگی می‌کنیم؟ چطور باید زندگی کنیم؟ اگر هدفی از پیش مقدر وجود ندارد هر یک از ما باید معنایی برای خود بیافرینیم (یالوم، ۱۹۸۰، ترجمه حبیب

1. King, . & Hicks
2. Dursun, Alyagut, & Yılmaz
3. Existential
4. Existentialism
5. Existentialism
6. Michelman
7. Bunnin and Yu

۱۳۹۳). وجودگراها از نظر باورمندی به وجود خداوند به دو دسته تقسیم می‌شوند، وجودگرایان ملحد و وجودگرایان خدا باور (هاکو و ریواز<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲) از بین فلاسفه وجودگرای ملحد، دیدگاه سارتر نسبت به بی‌معنایی دنیا و انسان از همه فیلسوفان معاصر، انعطاف ناپذیرتر و موضع او در قبال معنای زندگی بی‌رحمانه تر است، آلبر کامو (۱۹۵۵) واژه پوچ را برای موقعیت اساسی انسان به کار می‌برد، گرفتاری موجودی متعالی جویای معنا که در جهانی فاقد معنا زندگی می‌کند، جهان نسبت به ما بی‌اعتناست، تنش میان آرمان انسان و بی‌تفاوتی جهان هستی، همان چیزی است که «پوچی» موقعیت انسانی است (یالوم، ۱۹۸۰، ترجمه حبیب ۱۳۹۳)، اروین یالوم نیز متعهد به اصول فلسفی وجودگرایی الحادی و در زمینه پوچی و تهی بودن جهان هستی از معنا و تنهایی انسان در معنا بخشی به زندگی، پیرو سارتر و کامو است (پورتنکابنی؛ مسعودی و حسینی شاهرودی، ۱۴۰۰). به دلایل ذکر شده و همچنین در جهت تحدید موضوع، در این پژوهش دیدگاه و آراء سارتر، کامو و یالوم در مورد معنای زندگی مبنای بررسی و پژوهش جهت بررسی دیدگاه وجودگرایان الحادی قرار گرفته است.

در قرآن کریم نیز سخن از «معنای زندگی» یکی از مباحث اساسی بوده و آیات بسیاری به عبث نبودن هستی (سوره مومنون، آیه ۱۱۵)<sup>۲</sup>، هدفداری و انسجام پدیده‌های جهان هستی (سوره اعلی، آیه ۳)<sup>۳</sup> و از جمله انسان (سوره الزاریات، آیه ۵۶)<sup>۴</sup> پرداخته است، از بین تفاسیر قرآن کریم، تفسیر المیزان مرحوم علامه طباطبایی به دلیل جامعیت محتوایی (همة ابعاد و زوایای لفظی و معنوی تفسیر را مورد توجه قرار دادن و درباره آنها بحث کردن) و منابعی که مورد استفاده قرار داده است و بدیع بودن نظریات در موضوعات و مسائل مهم قرآنی (طاهری، ۱۳۹۲)، مبنای بررسی نگاه قرآن کریم به معنای

1. Haque, & Reyaz

۲. ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾.

۳. ﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾.

۴. ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُون﴾.

زندگی قرار گرفته است.

مطالعات نشان می‌دهد مباحث مربوط به معنای زندگی در دو بخش معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی مطرح شده است (شایان فروقلعه، ۱۳۹۸)، در بُعد معرفت‌شناسی معنای زندگی وجودگرایی تنها منبع معرفت به معنای زندگی را تجربه شخصی حاصل از دریافت‌های حسی و معرفت را امری نسبی می‌داند، لذا معرفت را امری ساختنی تلقی می‌نماید (سارتر، ۱۹۴۸، ترجمه رحیمی، ۱۴۰۰)، در نگاه قرآنی علامه طباطبایی، معرفت‌شناسی معنای زندگی بر روش عقلانی و منطقی استوار گردیده و دست‌یابی به معرفت حقیقی نسبت به معنای زندگی را مطابق با واقع و مستقل از ادراک انسان دانسته است (غزالی؛ نمازی؛ واسعی و ایراندوست، ۱۳۹۷) و منابع معنا در وحی الهی (دیانی محمود، ۱۳۹۰)، در آیه شریفه: ۷۸ سوره النحل<sup>۱</sup>، حس باصره و سامعه و مبداء تصدیق و فکر قلب (طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۹۹، ج ۱۲، ص ۴۷۴)، بر اساس آیه ۷۵ سوره انعام<sup>۲</sup>؛ و آیات ۵ و ۶ سوره تکوین<sup>۳</sup> کشف و شهود (طباطبایی، ۱۳۷۵، ج ۲: ص ۳۵۲)، آیه ۸ سوره شمس<sup>۴</sup> الهام (طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۴۹۸) و در نهایت عقل (طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۹۹، ج ۱۲، ص ۸-۲۳) بیان شده است، همچنین بر اساس آیه ۷۳ سوره انعام<sup>۵</sup>، آیه ۱۹۱ سوره آل عمران<sup>۶</sup>، آیه ۳۸ سوره دخان<sup>۷</sup> و آیه ۵ سوره یونس<sup>۸</sup>. معنای زندگی از جنس کشف است و نه خلق.

۱. ﴿وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾.
۲. ﴿كَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾.
۳. ﴿كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ \* لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ﴾.
۴. ﴿فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾.
۵. ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ﴾.
۶. ﴿يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾.
۷. ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ﴾.
۸. ﴿مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَالِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ﴾.

هستی‌شناسی یا همان فلسفه فرد در زندگی و دیدگاه او به پدیده‌های هستی، چارچوبی به باورهای فرد می‌دهد که وی را به سمت رفتارهای خاصی هدایت می‌کند (محمدپور ۱۳۹۷، به نقل از رضاپور میرزاده و صالح زاده، ۱۴۰۲) در این زمینه سه هستی‌خدا، انسان و جهان از یکدیگر قابل تفکیک هستند (نوروزی و کشانی، ۱۳۸۹). در این رابطه سازتر خلقت جهان و انسان را بدون هدف و بی‌دلیل و زندگی را پوچ و بی‌معنا و انسان را دچار سر درگمی و تهوع می‌داند (کیاشمشکی؛ بخشایش و عزتی، ۱۳۹۰)، از نظر یالوم جهان عاری از خدا، عاری از معنا و مرگ پایان کار انسان است، او اضطراب و تنهایی را از مهمترین مؤلفه‌های انسان شناختی معنای زندگی تلقی می‌کند (شایان فر و قلعه، ۱۳۹۸). در نگاه قرآنی علامه طباطبایی، به لحاظ هستی‌شناختی، جهان صاحب پروردگار و عبث بودن خلقت انسان بشدت نفی شده است (سوره مومنون، آیه ۱۱۵، و ۱۹۱، دخان، آیه ۳۸) هدف از خلقت انسان رسیدن به عبودیت خداوند (سوره الذاریات، آیه ۵۶) و غایت زندگی انسان نیز معاد است (علامه طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۹۹، ج: ۱، ص: ۲۲۵).

پژوهش‌ها رابطه زیادی بین عدم وجود معنا در زندگی و افزایش گرایش به خودکشی، شدت افسردگی و آشفتگی روانی نشان داده است (دالانی؛ گراپمن و گرنیت؛ ادام و چین<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸ و لی سالونی و دلویچی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹) هابز<sup>۳</sup> (۱۹۶۲)، سلیگمن (۲۰۰۶) می‌گوید ارتباط زیادی بین معنای زندگی و بهبود علائم ناشی از افسردگی وجود دارد (هاشمیان؛ نامداری و عابدی، ۱۳۹۸)، در پژوهش دیگر مشخص شد: معنای زندگی شاخصی برای ارتقاء و حفظ سلامت جسمانی بر اساس نشانگرهای عصبی غدد درون ریز، ایمنولوژیک<sup>۴</sup> و قلبی عروقی است (دورسون؛ آلووجود و یلماز، ۲۰۲۲). قرآن کریم در آیات زیاد و از جمله آیه «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا»

1. Dulaney, Graupmann, Grant, Adam, & Chen
2. Li, Salcuni, & Delvecchio
3. Hobbs
4. immunologic

(آیه ۲۷، سوره ص) و ما آسمان و زمین و آن چه را میان آنهاست بیهوده نیافریدیم، این پندار کسانی است که کفر ورزیدند. با دقت در این آیه متوجه می‌شویم نیاز انسان به معنا یک نیاز وجودی است و بر اساس آیه ۱۲۴، سوره طه<sup>۱</sup> نافرمانی امر خدا موجب معیشت تنگ در دنیا و حشر با حالت نابینایی در آخرت و به یک معنا اضطراب دائمی فرد می‌شود.

در حال حاضر افراد زیادی در جامعه ما از مشکلات روانی رنج می‌برند، که بخشی از این مشکلات روان شناختی ریشه در بی‌معنایی زندگی آنها دارد، روان درمانگران وجودی از جمله فرانکل معتقدند نزدیک ۲۰ درصد از روان‌نژندی‌هایی که در تجربه بالینی با آن روبرو بوده‌اند ناشی از فقدان معنا در زندگی بوده است (یالوم، ۱۹۸۰، ترجمه حبیب، ۱۳۹۳)، لذا دستیابی به منابعی که بتواند به غنای معنای زندگی انسان منجر شود یک ضرورت است، امروزه «معنا درمانی»<sup>۲</sup> روشی مهم برای پاسخ به این نیاز روان شناختی انسان و درمان دردهای روانی حاصل از بی‌معنایی زندگی تلقی می‌شود، این نوع درمان از مبانی روان‌شناسی وجودگرا اقتباس شده است (طهماسبی پور، نجف، ۱۳۹۹)، اروین یالوم یکی از مبانی روان‌درمانی اگزیستانسیال را پرداختن به معنای زندگی و رنج حاصل از پوچی و بیهودگی زندگی می‌داند، وی متاثر از ساترو کامو جهان را پوچ، عاری از خدا، خالی از معنا و مرگ را پایان کار انسان می‌داند و اضطراب و تنهایی را از مهمترین مؤلفه‌های انسان شناختی معنای زندگی تلقی می‌کند (شایان فرو قلعه، ۱۳۹۸)، در چنین جهانی ما باید معنای زندگی خود را بسازیم، ولی آیا این معنای خود ساخته بنیه‌ی لازم برای تاب آوردن این زندگی را دارد؟ این تعارض پویای وجودی ریشه در معمای مخلوقی در جستجوی معنا دارد که به درون جهانی خالی از معنا افکنده شده است، سارتر چندین عامل مانند بخشش، فداکاری برای یک آرمان، شکوفاکردن استعدادها و

۱. ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾.

نوع دوستی را به عنوان عوامل معنا بخش به زندگی می‌شمارد، ولی در مقابل این سوال که چگونه این معناها در دنیای بی‌معنا و بی‌انجام تجویز می‌شوند پاسخی ندارد (یالوم، ۱۹۸۰، ترجمه، حبیب، ۱۳۹۳).

یکی از کارکردهای اساسی دین معنا بخشی به زندگی انسان است، قرآن کریم در آیات متعدد به بحث معنای زندگی پرداخته است، از منظر قرآن کریم، جهان هستی، هدف دار و انسان بشدت از پوچ انگاری جهان و هستی خود نهی گردیده است و زندگی او معطوف به هدف و ارزشمند (مومنون، آیه ۱۱۵، و ۱۹۱، دخان، آیه ۳۸)، عبودیت خداوند هدف خلقت (سوره الذاریات، آیه ۵۶) و معاد غایت زندگی انسان دانسته شده (علامه طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۹۹، ج: ۱، ص: ۲۲۵) و اضطراب نه وجودی، بلکه حاصل اعراض از یاد خدا است (سوره طه، آیه ۱۲۴). به نظر می‌رسد شناسایی و در اختیار قرار دادن منابع معنا از نگاه قرآنی علامه طباطبایی، خلاءهایی را که نگاه وجودگرایی الحادی نسبت به معنای زندگی با آن روبرو است پر کند و راهی جدید در اختیار روان درمانگران و مشاوران برای درمان دردهای روانی ناشی از بی‌معنایی در زندگی قرار دهد. بر این اساس هدف این پژوهش، مطالعه تطبیقی معنای زندگی در دیدگاه وجودگرایی الحادی و نگاه قرآنی علامه طباطبایی بوده است، بر این اساس سوالات اساسی پژوهش عبارت بود از: مضامین معنای زندگی در وجودگرایی الحادی کدامند؟ مضامین معنای زندگی در نگاه قرآنی علامه طباطبایی کدامند؟ نقاط افتراق در معنای زندگی از دیدگاه وجودگرایی الحادی و نگاه قرآنی علامه طباطبایی کدامند؟ نقاط اشتراک در معنای زندگی از دیدگاه وجودگرایی الحادی و نگاه قرآنی علامه طباطبایی کدامند؟

## روش‌شناسی

این تحقیق با رویکرد کیفی و با روش تحلیل تماتیک برون و کلارک<sup>۱</sup> به منظور تحلیل

1. Braun and Clarke's



اسناد و مدارک از روش تحلیل مضمون یا تماتیک برون و کلارک (۲۰۰۶) که شش گام (۱) آشناسازی با داده‌های جمع‌آوری شده (۲) استخراج کدهای اولیه (۳) جستجو برای مضامین و مؤلفه‌ها (۴) بررسی مضامین و مؤلفه‌های احتمالی (۵) تعریف و نامگذاری مضامین و مؤلفه‌ها و ترسیم شبکه مضامین و (۶) گزارش نتایج است استفاده شد. به منظور درک بهتر روابط بین مضامین؛ از شبکه مضامین<sup>۱</sup> استفاده شد، که شامل مضامین فراگیر (درکانون شبکه مضامین قرار می‌گیرد)، مضامین سازمان‌دهنده (واسط مضامین فراگیر و مضامین پایه) و مضامین پایه می‌شود، در این ارتباط، کلیه مراحل کدگذاری و استخراج یافته‌های تحقیق بصورت دستی صورت گرفته است (سالدانا<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹) و روش تطبیقی بردی<sup>۳</sup> انجام شد، جامعه پژوهش کلیه اسناد، منابع مکتوب و مقالات پژوهشی مرتبط با معنای زندگی از دیدگاه وجودگرایی الحادی و نگاه قرآنی علامه طباطبایی بوده که لینک تمامی مقالات استفاده شده در قسمت منابع پایانی ارائه گردیده است و از طریق پایگاه نمایه ایران گنج، نورمگز، پروتال جامع علوم انسانی قابل دسترسی هستند. نمونه‌گیری این پژوهش هدفمند با قاعده روش اشباع نظری داده‌دهنده است. ابزار مورد استفاده در این پژوهش تحلیل اسناد بوده، با توجه به اینکه اعتبار و روائی در پژوهش‌های کیفی مبتنی بر کار تیمی (سوسی و داراچ<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳) و ضرورت دقت در ارزیابی کیفیت اسناد و مدارک گردآوری شده (فلیک<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶)، در این پژوهش اعتبار داده‌ها، با چهار معیار باور پذیری، انتقال پذیری، تأییدپذیری و اطمینان پذیری متناسب با پژوهش به شرح زیر بدست آمد، معیار باور پذیری این پژوهش پس از مطالعه منابع و متون مرتبط با معنای زندگی در وجودگرایی الحادی و نگاه قرآنی علامه طباطبایی و بازبینی مکرر داده‌ها و انتخاب بهترین و گویاترین مضامین، کدگذاری توسط پژوهشگر انجام شد و سپس بازبینی مجدد کدهای استخراج شده توسط دو پژوهشگر حوزه معنای زندگی و

1. thematic network
2. Saldana
3. Beredy
4. Susi & Darach
5. Flick

آگاه به موضوع انجام شد. معیارانتقال پذیری داده‌ها، با انتخاب و مطالعه گسترده منابع، کتب و مقالات پژوهشی مرتبط با وجودگرایی الحادی و نگاه قرآنی علامه طباطبایی در حوزه معنای زندگی و استخراج داده‌ها در حد اشباع نظری داده بدست آمد، در مرحله تأییدپذیری، برای اطمینان از اینکه داده‌های پژوهش حاصل فرضیه‌ها و پیش پنداشته‌های پژوهشگر نیست، داده‌های جمع آوری شده که در قالب دست نوشته و یادداشت‌های پژوهشگر بود، به ۲ نفر از متخصصین حوزه فلسفه وجودگرایی و ۲ نفر متخصص حوزه مطالعات قرآنی عرضه و مشابهت نظر این متخصصین با نظر پژوهشگر مورد تأیید قرار گرفت و در نهایت اطمینان پذیری داده‌های استخراج شده در زمینه معنای زندگی در دو رویکرد، از طریق یک پژوهشگر دیگر برای خواندن و واکنش به یادداشت‌های محقق و تفاسیر تعبیه شده محقق در آن، میزان اطمینان پذیری این پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفت و نظرات این پژوهشگر در اصلاح تفاسیر محقق اعمال گردید.

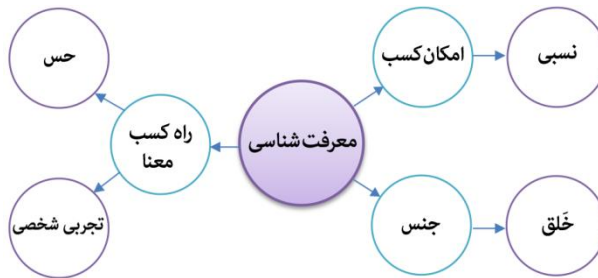
### یافته‌های پژوهش

پس از مطالعه منابع و متون دو دیدگاه وجودگرایی الحادی و نگاه قرآنی علامه طباطبایی در زمینه معنای زندگی و استخراج داده‌ها، و طی مرحله اعتبار بخشی به داده‌ها، کدگذاری به شرح ذیل انجام گرفت.

جدول ۱. نمونه‌هایی از مضامین معرفت‌شناسی معنای زندگی در وجودگرایی الحادی

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
معرفت‌شناسی	امکان معرفت	- حقیقت امری شخصی است (سارتر ۱۹۸۹، ترجمه شروین اولیائی، ۱۴۰۱).
		- آگاهی امری پدیداری است (سارتر ۱۹۳۸، ترجمه علم، ۱۴۰۱).
		- معرفت تجربه ذهنی کاملاً شخصی، نموداری و پدیداری است که از هیچ قاعده، اصول و راهنمایی تبعیت نمی‌کند (دولتی، نمازی؛ واسعی و ایران‌دوست (۱۳۹۷).

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
زندگی	راه دست یابی به معنای - از دیدگاه وجودگرایی الحادی معرفت امری شخصی است و از هیچ اصول، قاعده و راهنمایی تبعیت نمی‌کند (دولتی، نمازی، واسعی و ایراندوست، ۱۳۹۷۹).	- آلبر کامو تنها منبع شناخت آدمی را محدود به حس و تجربه میدانند و معرفت را به شناخت حسی و تجربی منحصر کرده است (عسگری یزدی و پیروژوند، ۱۴۰۲).
خلق معنا	- با توجه به مبنای معرفت شناختی «تقدم وجود بر ماهیت»، معنای زندگی امری ساختنی تلقی می‌شود و نه یافتنی (سارتر، ۱۹۴۸، ترجمه رحیمی، ۱۴۰۰).	- هر فرد باید معنای زندگی خود را ابداع نماید. (یالوم، ۱۹۸۰، ترجمه، حبیب، ۱۳۹۳).



شکل ۱. نقشه تماتیک مضامین فراگیر، سازمان دهنده و پایه معرفت شناسی وجودگرایی الحادی

همانگونه که داده‌های جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، تفسیر مفاهیم پایه ای به مفاهیم سازمان دهنده و فراگیر، مبین آن است که معرفت شناسی وجودگرایی الحادی شامل ۷ مفهوم پایه ای، ۳ مفهوم سازمان دهنده و ۱ مفهوم فراگیر است. بر این اساس تصریح گردید؛ مفهوم فراگیر معرفت شناسی، شامل ۳ مفهوم سازمان دهنده؛ امکان کسب معرفت، جنس معنا و راه کسب معنا است، که مفاهیم پایه یا اولیه هر یک جداگانه در جدول فوق آورده شده است، ساختار شبکه مضامین داده‌های جدول فوق در شکل شماره ۱ ارائه گردیده است.

جدول ۲. نمونه‌هایی از مضامین معرفت‌شناسی معنای زندگی در نگاه قرآنی علامه طباطبایی

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
	امکان معرفت	<p>- از آنجا که علم مطابق با واقع است و ملاک مطابقت نیز دارد، نقش کاشفیت از جهان واقع را دارد، لذا حقیقت، ادراکی مطابق با واقع است (طباطبایی، ۱۳۹۵).</p> <p>- بر اساس آیه ۳۶، سوره اسراء<sup>۱</sup> به چیزی که علم به صحت آن نداری معتقد مشو، می‌توان به آنچه مطابق فطرت است قاطعانه گفت «واقع و حقیقت همین است و بس (طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۹۹، ج ۱۳).</p>
معرفت‌شناسی	راه دستیابی به معنای زندگی	<p>- وحی الهی و قرآن کریم یکی از منابع عظیم معنا است (دیانی، ۱۳۹۰).</p> <p>- آیه شریفه: ۷۸ سوره النحل<sup>۲</sup>، اشاره دارد به مبادی علم که خدای تعالی به انسان انعام کرده، مبداء تمامی تصورات حواس ظاهر است، که عمده آنها باصره و سامعه است.... و مبداء تصدیق و فکر قلب است (طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۹۹، ج ۱۲، ص ۴۷۴).</p> <p>- عقل نیرویی است که مبداء و مرکز تفکر و وسیله ارزیابی و تشخیص خوبی‌ها از بدی‌ها است (طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۹۹، ج ۱۲، ص ۸-۲۳).</p> <p>- در تفسیر آیه ۷۵ سوره انعام<sup>۳</sup> و آیات ۵ و ۶ سوره تکوین<sup>۴</sup>، کشف و شهود را یکی از منابع شناخت ملکوت آسمان‌ها و زمین معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۵، ج ۲: ص ۳۵۲).</p> <p>- بر اساس آیه ۸ سوره شمس<sup>۵</sup>، الهام یکی دیگر از منابع معرفت است (طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۴۹۸).</p>

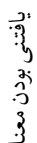
۱. «وَلَا تُقَفِّ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ».

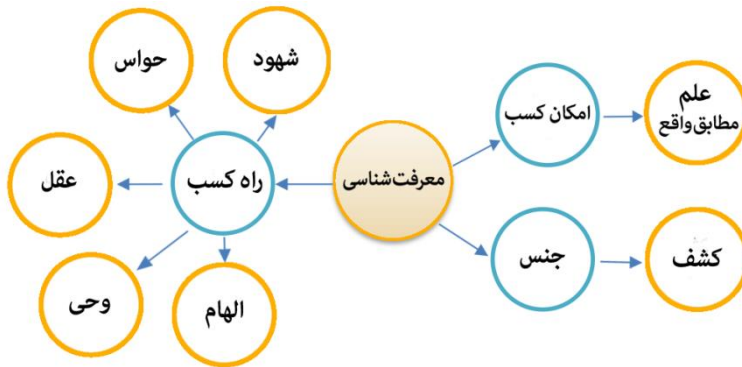
۲. «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ».

۳. كَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ .

۴. كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ \* لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ .

۵. فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا .

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
		<p>- به طور کلی در منظر دینی معنای زندگی از جنس کشف است و نه خلق، مطالعه در سراسر هستی، بیانگر هدفدار و عبث نبودن جهان آفرینش است:</p> <p>- أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ (سوره مؤمنون، آیه ۱۱۵).</p> <p>از منظر خداپاوران معنای زندگی امری واقعی است که فی نفسه در عالم وجود دارد، (پیشگر؛ سمنون؛ سید هاشمی و شریفی، ۱۳۹۹).</p>



شکل ۲: نقشه تماتیک مضامین فراگیر، سازمان دهنده و پایه معرفت شناسی نگاه قرآنی علامه طباطبایی (ره)

همانگونه که داده‌های جدول شماره ۲. نشان می‌دهد، تفسیر مفاهیم پایه ای به مفاهیم سازمان دهنده و فراگیر مبین آن است که معرفت شناسی در نگاه قرآنی علامه طباطبایی شامل ۹ مفهوم پایه ای، ۳ مفهوم سازمان دهنده و ۱ مفهوم فراگیر است. بر این اساس تصریح گردید، مفهوم فراگیر معرفت شناسی، شامل ۳ مفهوم سازمان دهنده: امکان کسب معرفت، جنس معنا و راه کسب معنا، که مفاهیم پایه یا اولیه هر یک جداگانه در جدول فوق آورده شده است، ساختار شبکه مضامین داده‌های جدول فوق در شکل شماره ۲ ارائه گردیده است.

جدول ۳. نمونه‌هایی از مضامین جهان‌شناسی معنای زندگی در وجودگرایی الحادی

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
هدفمندی جهان	هدفمندی جهان	- جهان فاقد معنا و هستی پوچ و بیهوده است، جهان از هیچ طرح و نقشه ای کلی برخوردار نیست (یالوم، ۱۹۸۰، ترجمه حبیب، ۱۳۹۳).
		- جهان نسبت به ما بی اعتناست، تنش اصلی میان آرمان انسان و بی تفاوتی جهان هستی و «پوچی» موقعیت انسانی است (سارتر، ۱۹۵۵، به نقل از یالوم، ۱۹۸۰، ترجمه حبیب، ۱۳۹۳).
معاد	معاد	- همه موجودات بی دلیل به دنیا می‌آیند، با ضعف و کاستی زندگی می‌کنند، و بر حسب تصادف می‌میزند، ... به دنیا آمدنمان بی معناست، از دنیا رفتن مان هم بی معنا (سارتر، ۱۹۵۵، به نقل از یالوم، ۱۹۸۰، ترجمه حبیب، ۱۳۹۳).
		- مرگ واپسین امر عبث است، و انسان جاودانه نیست، همانگونه که زندگی عبث و بیهوده است (کامو، ترجمه سیدحسینی، ۱۳۸۶).
		- هرچه هست همین جا است و انسان باید با تمام توان در استفاده هر چه بیشتر از همین زندگی این جهانی بکوشد (کامو، ترجمه غیاثی، ۱۳۸۴).



شکل ۳: نقشه تماتیک مضامین فراگیر، سازمان دهنده و پایه هستی‌شناسی وجودگرایی الحادی

همانگونه که داده‌های جدول ۳ نشان می‌دهد، تفسیر مفاهیم پایه ای به مفاهیم سازمان دهنده و فراگیر مبین آن است که جهان‌شناسی معنای زندگی در وجودگرایی الحادی شامل ۵ مفهوم پایه ای، ۲ مفهوم سازمان دهنده و ۱ مفهوم فراگیر است. بر این اساس تصریح گردید؛ مفهوم فراگیر جهان‌شناسی، شامل ۲ مفهوم سازمان دهنده؛ هدفمندی و معاد که مفاهیم پایه یا اولیه هر یک جداگانه در جدول فوق آورده شده است، ساختار شبکه مضامین داده‌های جدول فوق در شکل شماره ۳ ارائه گردیده است.

جدول ۴. نمونه‌هایی از مضامین جهان‌شناسی معنای زندگی در نگاه قرآنی علامه طباطبایی

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضمون فراگیر
<p>- رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا... پروردگارا این را (جهان) بیهوده نیافریدی (سوره آل عمران، آیه ۱۹۱) می‌فرماید: همه عالم از جنبه‌ی مخلوقیت یک واحد را تشکیل می‌دهند، چرا که همه مخلوق خدا هستند (طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۹۹، ج ۴).</p> <p>- انسان مسئولیت پذیر، هیچ‌گاه خلقت عالم هستی و حیات انسانی را بی‌معنا، عبث و بی‌هدف نمی‌داند، به دلیل اینکه غایت بخشی، هدف اساسی دین است (علامه طباطبایی، ۱۳۷۹).</p> <p>- آیه ۱۶۴ سوره بقره<sup>۱</sup> نشان از نظم و انسجام و اتصال، تدبیر و هماهنگی تام بین پدیده‌های آسمانی و زمینی دارد (علامه طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۹۹، ج ۱: ص ۴۰۵ - ۳۹۵).</p> <p>- حاکمیت سنن قطعی و لایتغیر الهی بر نظام هستی:</p> <p>- «فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (سوره فاطر، آیه ۴۳)، هرگز برای سنت الهی تغییر و تبدیلی نمی‌یابی،</p> <p>- در مورد بی‌تفاوت نبودن نظام هستی نسبت به عمل فردی ما:</p> <p>- «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (سوره زلزال، آیه ۷) وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (سوره زلزال، آیه ۸)، پس هر کس به سنگینی یک ذره عمل خیری کرده باشد آن را می‌بیند، و هر کس به سنگینی یک ذره عمل شری کرده باشد آن را خواهد دید (طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۹۹، ج ۲: ص ۵۸۰).</p>	<p>هدف‌داری جهان</p>	<p>جهان‌شناسی</p>
<p>- غرض از خلقت و علت نبوت معاد است (طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۹۹، ج ۱۴: ص ۳۹۱ - ۳۹۳).</p> <p>- «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ...» و این زندگی دنیا چیزی جز لهو و بازی نیست و به درستی که زندگی حقیقی آخرت است (سوره عنکبوت، آیه ۶۴)</p> <p>- در تفسیر آیه ۳۶ سوره قیامت می‌فرماید: حقیقت حیات آن است که فناپذیر بوده، چنین حقیقتی مختص آخرت است (طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۹۹، ج ۲: ص ۳۳۰).</p>	<p>معاد</p>	

۱. ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْيَبَ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَضْرِبُ الرِّيحُ الرِّيحَ وَالسَّحَابُ الْمُسَخَّرَ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾.



شکل ۴: نقشه تماتیک مضامین فراگیر، سازمان دهنده و پایه پایه جهان‌شناسی نگاه قرآنی علامه طباطبایی

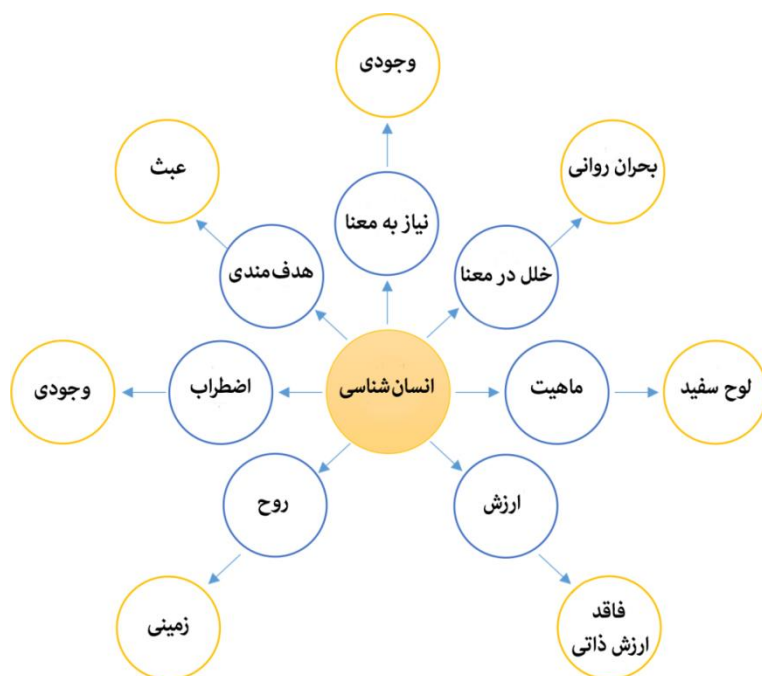
همانگونه که داده‌های جدول ۴ نشان می‌دهد، تفسیر مفاهیم پایه ای به مفاهیم سازمان دهنده و فراگیر مبین آن است که جهان‌شناسی معنای زندگی در نگاه قرآنی علامه طباطبایی (ره) شامل ۱۰ مفهوم پایه ای، ۲ مفهوم سازمان دهنده و ۱ مفهوم فراگیر است. بر این اساس تصریح گردید، مفهوم فراگیر جهان‌شناسی شامل ۲ مفهوم سازمان دهنده هدفمندی و معاد است، که مفاهیم پایه یا اولیه هر یک جداگانه در جدول فوق آورده شده است، ساختار شبکه مضامین داده‌های جدول فوق در شکل شماره ۴ ارائه گردیده است.

جدول ۵. نمونه‌هایی از مضامین انسان‌شناسی معنای زندگی در وجودگرایی الحادی

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
انسان‌شناسی	هدف‌داری	- انسان بدون هدف به این جهان پرتاب شده. (یالوم، ۱۹۸۰، ترجمه، حبیب، ۱۳۹۳). - جوهر وجودگرایی عبث بودن زندگی است ((ایگتون، ۲۰۰۷، ترجمه مخبر، ۱۳۹۸).
	ماهیت	- هیچ معنای از پیش تصویر شده ای برای انسان وجود ندارد و هر فرد باید معنای زندگی خود را «ابداع» کند (ساتر، ۱۹۵۵، به نقل از یالوم، ۱۹۸۰، ترجمه حبیب، ۱۳۹۳)..
ارزش و اهمیت	ماهیت	- وجود انسان مقدم بر ماهیت او است (ساتر، ۱۹۴۸، ترجمه رحیمی، ۱۴۰۰). - انسان نخست هیچ نیست، (هیچ ماهیتی ندارد) سپس چیزی می‌شود (ساتر، ۱۹۴۸، ترجمه رحیمی، ۱۴۰۰).
	بُعد روانی	- میزان قدر و قیمت انسان همان است که خودش با آزادی و عمل در این دنیا می‌آفریند (یالوم، ۱۹۸۰، ترجمه، حبیب، ۱۳۹۳). - بشر هیچ نیست، مگر آنچه از خود می‌سازد (ساتر، ۱۹۴۸، ترجمه رحیمی، ۱۴۰۰).
بُعد روانی	بُعد روانی	- انسان برخوردار از بُعد روحی در برابر بُعد حیوانی است که هیچ ارتباطی با معنا و مفهوم مذهبی آن ندارد، این بُعد با تأکید بر پدیدارهای انسانی، در



مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
		مقابل پدیدارهای غیرانسانی (حیوانی) که ما را با حیواناتی که با آنها شریک هستیم، تمایز دهد، مطرح است (ساتر، به نقل از یالوم، ۱۹۸۰، ترجمه حبیب، ۱۳۹۳).
نیاز به معنای زندگی		معنا التیام بخش اضطراب است (یالوم، ۱۹۸۰، ترجمه حبیب، ۱۳۹۳). معنای زندگی لازم ترین پرسش در همه ی زمان ها بوده است (کامو، ۱۹۷۰).
بحران بی معنایی		نیکلاس هابز می گوید: ناکامی در یافتن معنای زندگی ریشه روان نژندی وجودی است.
		فرانکل می گوید فقدان معنا مهمترین فشار روانی وجودی به شمار می رود (یالوم، ۱۹۸۰، ترجمه حبیب، ۱۳۹۳).
اضطراب		- اضطراب هستی شناختی ویژگی درونی قطعی و مسلّم هستی انسان در جهان آفرینش و حاصل مرگ، آزادی، تنهایی و پوچی وجودی است (یالوم، ۱۹۸۰، ترجمه حبیب، ۱۳۹۳).



شکل ۵: نقشه تماتیک مضامین فراگیر، سازمان دهنده و پایه

انسان شناسی معنای زندگی وجودگرایی الحادی

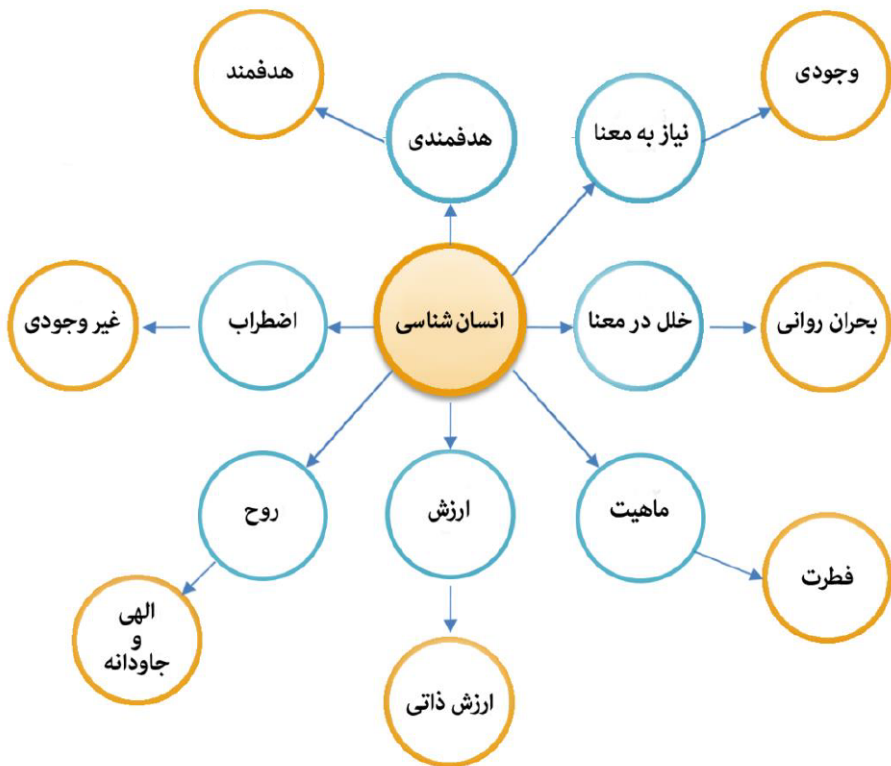
همانگونه که داده‌های جدول شماره ۵ نشان می‌دهد، تفسیر مفاهیم پایه ای به مفاهیم سازمان دهنده و فراگیر مبین آن است که انسان‌شناسی معنای زندگی در وجودگرایی الحادی شامل ۱۲ مفهوم پایه ای، ۶ مفهوم سازمان دهنده و ۱ مفهوم فراگیر است. بر این اساس تصریح گردید؛ مفهوم فراگیر انسان‌شناسی، شامل ۷ مفهوم سازمان دهنده، ماهیت انسان، هدفمندی انسان، نیاز به معنا، بحران بی‌معنایی، ارزش انسان، روح در انسان و اضطراب است که مفاهیم پایه یا اولیه هر یک جداگانه در جدول فوق آورده شده است، ساختار شبکه مضامین داده‌های جدول فوق در شکل شماره ۵ ارائه گردیده است.

#### جدول ۶. مضامین انسان‌شناسی معنای زندگی در نگاه قرآنی علامه طباطبایی

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
انسان‌شناسی	هدف‌داری	<p>«أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»، پس آیا گمان می‌کنید که ما شما را بیهوده آفریده ایم و شما به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید (سوره مومنون، آیه ۱۱۵)».</p> <p>«رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا؛ پروردگارا! این [جهان] را بیهوده نیافریدی [آل عمران، آیه ۱۹۱].»</p> <p>«خلفت انسان هدف و غایتی دارد و آن غایت همان معاد است (طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۹۹، ج ۱۴: ص ۳۶۴). مهمترین هدف در تقرب به خدا است و آزمایش، عبودیت و پرستش وسیله یا واسطه ای برای تحقق هدف قرب الهی است (علامه طباطبایی، ۱۳۹۵)».</p>
		<p>«فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ...» (سوره روم، آیه ۳۰)، این سرشتی است که خدا مردم را بر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش الهی نیست....</p> <p>«انسان فطرتی خاص بخود دارد که او را به هدف خاص هدایت می‌کند و آن «فطرت الله» است که در همه افراد انسانی ثابت و تغییر ناپذیر است (طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۹۹، ج ۱۶: ص ۲۸۲-۲۸۴)».</p>

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
	نیاز به معنا در زندگی	<p>- در مورد معنادار بودن خلقت انسان می فرماید: أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ (سوره مؤمنون، آیه ۱۱۵). در این آیه انسان از عبث پنداری خلقت خود بشدت نهی شده است.</p> <p>- در مورد معنادار بودن نظام هستی می فرماید: وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا (آیه ۲۷، سوره ص) و ما آسمان و زمین و آن چه را میان آنهاست بیهوده نیافریدیم، این، پندار کسانی است که کفر ورزیدند!</p> <p>- زندگی کافر در دو کلمه خلاصه می شود: نارضایتی نسبت به آنچه دارد و دل بستگی به آنچه ندارد.</p>
	بحران بی معنایی	<p>- نتیجه رفتار کافر در آیه فوق می شود: وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَيُخَشِّرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَغْمًى (آیه ۱۲۴، سوره طه) و هر کس از یاد من اعراض کند (در دنیا) معیشتش تنگ شود و روز قیامتش نابینا محسور کنیم. پس این فرد دائما در اضطراب خواهد بود.</p>
	ارزش انسان	<p>- آفرینش در بهترین صورت «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (سوره التین، آیه ۴).</p> <p>- دارای کرامت ذاتی است «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (سوره الاسراء، آیه ۷۰).</p> <p>- صاحب مقام خلیفه الهی است: إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً (سوره بقره، آیه ۳۰).</p> <p>- مسجود ملائک است: إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ (سوره بقره، آیه ۳۴).</p>
	بُعد روانی	<p>- آیه ۱۴ سوره مؤمنون: «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ» سپس آن را آفرینش دیگری کردیم، کار برد تعبیر «انشاء» در این قسمت آیه نشان دهنده این است که در انشاء اخیر... انسان صاحب روح الهی شده است (طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۹۹، ج ۱۵: ص ۲۸-۲۶).</p> <p>- ذیل آیات ۶۵ سوره رعد می فرمایند: حقیقت انسان روحی است که به این بدن مادی تعلق یافته است (علامه طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۹۹، ج ۱۱: ص ۴۰۶-۴۰۵).</p>

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
انطباق	<p>«الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (سوره رعد، آیه ۲۸)، آنها کسانی هستند که ایمان آورده اند و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است، آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.</p> <p>- اطمینان یعنی بودن در امنیت و آرامش قلبی حاصل از آن، بدون اینکه قلب مضطرب و یا روگردان شود (طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۹۹، ج ۱: ص ۵۴۴-۵۴۳).</p>	



شکل ۶: نقشه تماتیک مضامین فراگیر، سازمان دهنده و پایه انسان شناسی در نگاه قرآنی علامه طباطبایی

همانگونه که داده‌های جدول شماره ۶ نشان می‌دهد، تفسیر مفاهیم پایه ای به مفاهیم سازمان دهنده و فراگیر مبین آن است که انسان‌شناسی معنای زندگی در نگاه قرآنی علامه طباطبایی شامل ۱۶ مفهوم پایه ای، ۶ مفهوم سازمان دهنده و ۱ مفهوم فراگیر است. بر این اساس تصریح گردید؛ مفهوم فراگیر انسان شناسی، شامل ۷ مفهوم سازمان دهنده، ماهیت انسان، هدفمندی، نیاز به معنا، بحران بی‌معنایی، ارزش انسان، روح انسان، اضطراب است که مفاهیم پایه یا اولیه هر یک جداگانه در جدول فوق آورده شده است، ساختار شبکه مضامین داده‌های جدول فوق در شکل شماره ۶ ارائه گردیده است.

جدول ۷. جمع بندی مضامین

رویکرد وجودگرایی الحادی		نگاه قرآنی علامه طباطبایی	
مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضامین پایه	مضامین پایه
معرفت شناسی	امکان کسب	واقعیت نسبی	مطابق با واقع
	راه کسب	حواس و تجربه شخصی	حواس-عقل-وحی - شهود(قلب) و الهام
	جنس	خلق معنا	کشف معنا
جهان شناسی	هدفمندی	عبث	غایتمند
	معاد	مرگ پایان زندگی	زندگی اخروی فنا ناپذیر
انسان شناسی	نیاز به معنا	وجودی	وجودی
	خلل در معنا	بحران روحی	بحران روحی
	ماهیت	لوح سفید	دارای فطرت
	اهمیت	فاقد ارزش ذاتی	برخوردار از ارزش ذاتی
	روح	زمینی	الهی و جاودانه
	هدفمندی	بدون هدف و عبث	غایتمند
	اضطراب	وجودی	غیر وجودی

همانگونه که در داده‌های جدول شماره ۷ مربوط به جمع بندی مضامین مشاهده می‌شود به طور کلی در رویکرد وجودگرایی الحادی ۳ مضمون فراگیر، ۱۲ مضمون سازمان دهنده و ۲۴ مضمون پایه که به صورت جداگانه در ارتباط با هر مضمون سازمان دهنده در جداول آورده شده است و در نگاه قرآنی علامه طباطبایی ۳ مضمون فراگیر، ۱۲ مضمون سازمان دهنده و ۳۶ مضمون پایه که به صورت جداگانه در ارتباط با هر مضمون سازمان دهنده در جداول آورده شده است. نتایج تطبیق داده‌ها به روش بردی نشان داد، در نیاز وجودی انسان به معنای زندگی و ایجاد بحران روانی در صورت خلل در معنای زندگی، در دو دیدگاه اشتراک نظر وجود دارد، در مضمون معرفت‌شناسی بین دو رویکرد در امکان کسب معنا، راه کسب معنا و جنس معنا تفاوت دیده شد، در مضمون جهان‌شناسی در دو بُعد هدفمندی جهان و وجود معاد، بین دو دیدگاه اختلاف بنیادین مشاهده گردید، همچنین در مضمون انسان‌شناسی در ابعاد هدفمندی، ماهیت انسان، اضطراب، ارزش و بُعد روحی بین دو دیدگاه وجودگرایی الحادی و نگاه قرآنی علامه طباطبایی اختلاف بنیادین دیده شد.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، مطالعه تطبیقی معنای زندگی در دیدگاه وجودگرایی الحادی و نگاه قرآنی علامه طباطبایی بود، بررسی داده‌های پژوهش در فلسفه وجودگرایی الحادی نشان داد: در حوزه معرفت‌شناسی وجودگرایان الحادی، تنها ابزار دست‌یابی به معرفت را شهود مبتنی بر تجربه شخصی می‌دانند، با این نگاه پدیدارگرایانه، معتقدند معرفت امری کاملاً نسبی است، در مورد خلق و یا کشف معنای زندگی نیز معتقد به خلق و ساختنی بودن معنا هستند. در نگاه قرآنی علامه طباطبایی معرفت به معنای زندگی، امکان دستیابی به معرفت حقیقی وجود دارد و منابع دستیابی به معنای زندگی حس، عقل، وحی، شهود و الهام است، در مورد جعل و یا کشف معنا نیز معتقد است: معنای زندگی در متن هستی فراهم است و انسان به صورت فطری و با تلاش خود آنها را در می‌یابد، لذا

معنای زندگی را امری یافتنی می‌داند.

در حوزه هستی‌شناسی وجودگرایان الحادی جهان را تصادفی، پوچ و عبث، بدون نقشه و خط و مشی و بی‌اعتنا به سرنوشت انسان می‌دانند و به جهان پس از مرگ قائل نیستند، بررسی داده‌های مبتنی بر نگاه قرآنی مرحوم علامه طباطبایی نشان می‌دهد: جهان تحت تدبیر و اراده خدای واحد اداره می‌شود، خالق هستی از خلقت عالم هدف داشته است، نظام هستی هدفمند و هیچ موجودی عبث و بیهوده آفریده نشده است و انسان به شدت از عبث‌پنداری جهان و خویشتن منع شده است، جهان بر اساس سنن الهی و با نظم و انضباط فوق‌العاده ای اداره می‌شود و هستی بشدت نسبت به نیک و بد اعمال انسان حساس است، دنیا به دو بخش جهان و آخرت تقسیم شده و حقیقت هستی به جهان آخرت تعلق دارد. همسو با این یافته‌های پژوهشی در پژوهش حسینی؛ شجاعی و رحیمی، (۱۴۰۲) که به منظور ارائه مدل مفهومی معنای زندگی بر اساس آیات قرآن کریم انجام گرفته نتایج نشان داده: این جهان دارای مبدأ و مقصدی است و همه موجودات تکویناً به سمت مقصد در حرکت هستند، هدف نهایی زندگی، رسیدن به زندگی سعادت‌مند اخروی است و راه رسیدن به این هدف، مسیر یگانه و صراط مستقیم است. در پژوهش دیانی (۱۳۹۰)، مشخص شد: علامه طباطبایی معنای زندگی انسان را برگرفته از نظام متقن و احسن آفرینش می‌داند که فهم و باور به این نظام از طریق «اذعان به وجود خدا»، «معاد» و «تأمل در صفات خدای متعال» ممکن است و پیامبران الهی و به دیگر سخن، «وحی» با همه ابعادش، با طرح آموزه‌های تجربی، فلسفی، عرفانی و... درصدد شناساندن این نظام احسن و تثبیت آن در باور آدمی هستند که نتیجه آن احساس معناداری حیات در انسان می‌شود.

همچنین در حوزه انسان‌شناسی وجودگرایان الحادی انسان را موجودی ناضرور می‌دانند که به این جهان پرتاب شده است، هیچ ماهیت قبل از تولد ندارد و خود باید ماهیت خودش را بسازد، وجود انسان فاقد زمینه، هدف و جهت است، انسان هیچ

شانسی نسبت به سایر حیوانات ندارد، این وجودگرایان به دنیا آمدن انسان را بی معنا، از دنیا رفتن او را هم بی معنا می دانند، انسان را موجودی مادی و روح او را عاملی که فقط ممیز او با حیوانات دیگر تلقی می کنند، زندگی انسان را بین تولد و مرگ خلاصه می دانند و به حیات دیگری پس از مرگ برای انسان قائل نیستند، درحالی که یکی از چهار نیاز وجودی انسان را نیاز به معنا می دانند، هیچ نقشه‌ی راهی از معنای زندگی برای او ارائه نمی دهند و با چنین رویکردی، اضطراب هستی‌شناسی را سرنوشت قطعی انسان می‌پندارند. در نگاه قرآنی علامه طباطبایی، انسان در چگونگی آفرینش، هدف از خلقت، توانمندی‌های ذاتی (ماهیت)، جایگاه درجهان هستی کاملاً با اهمیت، هدفمند و ارزشمند و جاودانه تلقی شده و به لحاظ شایستگی، خلیفه و جانشینی خدا در روی زمین، دارای ماهیت یا همان سرمایه‌های بینشی و گرایشی قبل از تولد (فطرت)، ارزش و کرامت ذاتی، مسجود ملائک و برخوردار از روحی الهی دانسته شده است، در نهایت معاد و زندگی جاوید به عنوان غرض از خلقت انسان و علت نبوت و معنای زندگی ضروری حیات انسانی دانسته شده است و اضطراب نه وجودی بلکه حاصل دوری از یاد خدا و دوری از فطرت الهی او تلقی گردیده است. در تائید یافته‌های این پژوهش در حوزه انسان‌شناسی، مبتنی بر نگاه قرآنی علامه طباطبایی، نتیجه پژوهش عسگری بآبادی؛ براتی؛ گودرزی و خوشخو (۱۴۰۱)، نشان داد «از نظر علامه طباطبایی حیات دارای دو جلوه پوچ (بی معنایی) و حقیقی (معناداری) است، اگر انسان بر مدار خود طبیعی حرکت کند حیات او برخوردار از جلوه‌های پوچ گردیده و معنای زندگی او محقق نمی‌شود، اما اگر بر مدار فطرت حرکت کند از جلوه حقیقی حیات برخوردار شده و معنا را در زندگی خود یافته است، در تفسیر آیه ۲۰ سوره حدید: ﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وِزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ﴾ مطابق تفسیر المیزان یکی از جلوه‌های پوچ حیات در تعبیر قرآن لَهو و لَعِب است؛ لَهو چیزی است که انسان را سرگرم می‌کند و او را از کار مهم باز میدارد و «لعب» آن کاری است که برای مقصود و



هدف خیالی صورت می‌گیرد، جلوه پوچ دیگر، زینت و تفاخر و تکاثر است، زینت یعنی وسایلی که افراد خود را به آن می‌آرایند، تفاخر به معنای مباهات کردن به حسب و نسب است و تکاثر در اموال و اولاد، فخر فروشی به کثرت اموال و اولاد، از نظر علامه طباطبایی زندگی دنیا عرضی زائل و سرابی باطل است که این خصلت‌های پنجگانه را دارد، از نظر وی موارد ذکر شده موهوماتی هستند که نفس انسان به آنها دل می‌بندد و این امور زائل و خیالی هستند و هیچ کدام کمالی نفسانی و خیری حقیقی برای انسان به ارمغان نمی‌آورد، علامه طباطبایی جلوه‌های حقیقی حیات را ایمان و عمل صالح می‌داند که سبب دستیابی انسان به کمالات واقعی در زندگی می‌شود، وی در تفسیر آیه ۲۱ سوره حدید می‌گوید هر یک از افراد برای رسیدن به هدف که همان کمال واقعی است حرکت می‌کند و کسی به این هدف خواهد رسید که در حیات دنیوی طیب و طاهر زندگی کرده باشد».

در مقایسه نقاط افتراق هستی‌شناسی وجودگرایی الحادی و نگاه قرآنی علامه طباطبایی، تفاوت‌های بنیادین در هستی‌شناسی و انسان‌شناسی معنای زندگی دیده می‌شود، این تفاوت‌ها منجر به تفاوت در رهیافت‌ها و نتایج مهمی در نگاه به معنای زندگی در این دو مکتب شده است، به طوری که نتیجه طبیعی هستی‌شناسی وجودگرایی الحادی با نگاه ماده‌گرایانه سارتر و کامو به جهان منجر به انکار خدا و طبقات بزرگی مانند انکار دست تدبیر پروردگار در اداره هستی و بالطبع عبث و پوچ پنداری جهان، بی‌تفاوتی هستی نسبت به سرنوشت انسان، بی‌پناهی انسان در جهان خلقت می‌شود، لازمه تعریف سارتر از آزادی، انکار ماهیت قبل از وجود و در نتیجه انکار امور فطری که نقش مهمی در بینش یابی و گرایش به معنای زندگی در انسان دارد می‌شود، اعتقاد به عدم وجود معاد و نقش آن در تعالی انسان، انکار روح به عنوان حقیقت هستی انسان، منجر به ندیدن کرامت و ارزش ذاتی انسان می‌شود و اضطراب و بحران معنا نتیجه طبیعی این برداشت از هستی و انسان است. به نظر می‌رسد خود

سارتر متوجه وضعیت بحران زای حاصل از این نگاه الحادی اومانیستی به انسان بوده است، لذا در حالی که زندگی انسان را بدون ماهیت پیش از وجود تلقی می‌کند و هیچ معنایی برای جهان هستی غیر از آنچه انسان خلق می‌کند قائل نیست، چندین عامل مانند بخشش، فداکاری برای یک آرمان، شکوفاکردن استعدادها و نوع دوستی را به عنوان عوامل معنابخش به زندگی می‌شمارد، ولی در مقابل این سوال که چگونه این معناها دردنیای بی معنا و بی انجام تجویز می‌شوند پاسخی ندارد (یالوم، ۱۹۸۰، ترجمه، حبیب، ۱۳۹۳). در نگاه خدامحور علامه طباطبایی با تمسک به دستاویزهای محکم هستی و عمل به رهنمودهای آن، اضطراب هستی شناختی و احساس پوچی در انسان جایگاهی ندارد، این نگاه به هستی و انسان، بهجت، امید و آرامش را بدنبال می‌آورد، مادامی که یک فرد با خود شناسی، زندگی خود را بر مدار اطاعت پروردگار و همه اجزاء عالم را منسجم، هدفمند و در خدمت خود می‌بیند، نه تنها دچار اضطراب و ناامنی روانی نمی‌شود، بلکه دو شاخصه انسان قرآنی، ایمان و اطمینان قلب را تجربه می‌کند، ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (سوره رعد، آیه ۲۸)، آنها کسانی هستند که ایمان آورده‌اند، و دل هایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است، آگاه باشید، تنها با یاد خدا دلها آرامش می‌یابد.

در تبیین این تفاوت‌ها می‌توان گفت ریشه این تفاوت‌ها به مبانی معرفت‌شناسی انسان محور و تفسیر مادی از جهان و انسان، در وجودگرایی الحادی و نگاه خدامحور و تفسیر معنوی از جهان و انسان در نگاه قرآنی علامه طباطبایی مربوط است، این تفاوت‌ها در سه حوزه، امکان معرفت حقیقی، منابع معرفت و راه‌های دستیابی به معنای زندگی و جعل و یا کشف معنای زندگی مشاهده می‌شود. اصولاً در معرفت‌شناسی وجودگرایی الحادی، که حس و تجربه شخصی، تنها ابزار دستیابی به معرفت است، ابزاری برای درک معانی ماوراء ماده وجود ندارد و راه انسان به تفکر در این حوزه مهم هستی بسته است، پژوهش صدیقی و علی زمانی (۱۳۹۵) نیز نشان داد:

ساختار تفکر وجودگرایان الحادی، که مبتنی بر آزادی مطلق انسان و تقدم وجود بر ماهیت است، اصالت انسان را ذاتا به فردیت او وابسته می‌داند و بر این عقیده است که هر فرد نظام وجودی خاصی برای جعل معنا دارد و هرگز نمی‌توان انسان را در چارچوب قاعده مندی مانند اجتماع معنا کرد و معیار جهان شمولی برای او ارائه داد، این نوع معرفت‌شناسی راه انسان را نسبت به جهان ماوراء ذهن و تفکر فردی می‌بندد و از رهنمودهای خالق هستی و آموزه‌های وحیانی در زمینه هستی‌شناسی معنای زندگی محروم می‌کند، ولی در نگاه قرآنی علامه طباطبایی، معرفت‌شناسی معنای زندگی، مبنای علمی (حقیقت مطابق واقع) دارد، لذا قابل اطمینان و اتکاء برای شناخت هستی است، از نظر منابع معرفت‌شناسی معنای زندگی نیز، در قرآن کریم این منابع به عقلی، حسی، شهودی، الهام و وحیانی گسترش می‌یابد، این گسترده‌گی منابع معرفتی در پیچه بزرگی به روی انسان در شناخت این جهان و عالم ماوراء، و ملکوت هستی و دنیای آخرت در معنابخشی به هستی انسان می‌گشاید، در تائید این یافته پژوهشی، شایان فر و قعله (۱۳۹۸) در پژوهش خود می‌گویند قائل بودن به کشف معنای زندگی به مراتب برای افراد سودمندتر است، زیرا فرد با اطلاع از اینکه در ورای تمام این سختی‌ها و مشکلات، یک معنای حقیقی وجود دارد که از جانب خداوند که «همانا برترین و کاملترین موجود است» برای بشر تدوین شده است، وجود انسان آرام می‌گیرد و سختی‌ها و دشواری‌های زندگی را لازمه فرارفتن افراد از خود واقعیشان و دست یافتن به مراتب بالایی از زندگی که همان معنای حقیقی هستی باشد می‌داند.

در رابطه با نقاط اشتراک وجودگرایی الحادی و نگاه قرآنی علامه طباطبایی نسبت به معنای زندگی، در هر دو دیدگاه نیاز انسان به معنای زندگی امری وجودی و خلل‌درآن منجر به آسیب جدی به روان انسان و بُروز بحران‌های روحی تلقی گردیده و به اهمیت عامل مهم نیاز به معنای زندگی در بهزیستی و درمان آشفتگی‌های روانی توجه شده است. در تائید این یافته، پژوهش هیل و همکاران (۲۰۱۵) نشان می‌دهد که داشتن نظام

معنایی مثبت و اثربخش، باعث بهزیستی روان شناختی و نظام معنایی منفی منجر به افسردگی و حتی خودکشی می شود (حقانی زمیدانی؛ ضمیری؛ قاسمی؛ خزایی و عمادی، ۱۴۰۱)، همچنین افراد با غنای معنای زندگی، با اضطراب و چالش های زندگی، مقابله های اثربخش تر با مشکلات، پردازش اطلاعات راحت تر، چشم انداز وسیعتر و مثبت تر، نسبت به زندگی خود دارند (گارسینی؛ شارت و نورود<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳؛ به نقل از ویسکرمی؛ منصوره و روشن نیا، ۱۳۹۶)؛ یالوم (۲۰۱۰) علت دچار شدن بسیاری از بیماران به یأس و ناامیدی را در رویارویی آنها با بعضی از دلواپسی های غایی مانند معنای زندگی و هابز<sup>۲</sup> روان نژندی را نه حاصل نبود بینش، بلکه حاصل فقدان هدف و معنای زندگی می داند. قرآن کریم نیز در آیات زیاد و از جمله آیه می فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ (آیه ۲۷، سوره ص) و ما آسمان و زمین و آن چه را میان آنهاست بیهوده نیافریدیم، این پندار کسانی است که کفر ورزیدند. دقت در این آیه متوجه می شویم نیاز انسان به معنا یک نیاز وجودی است و بر اساس آیه ۱۲۴، سوره طه<sup>۳</sup> افرمانی امر خدا موجب معیشت تنگ در دنیا و حشر با حالت نابینایی در آخرت و اضطراب دائمی فرد می شود.

**پیشنهاد کاربردی پژوهش:** پیشنهاد می شود بر اساس یافته های این پژوهش مدل مشاوره ای معنا درمانی مبتنی بر معارف و آموزه های قرآنی تدوین گردد.

**محدودیت های پژوهش:** همه محدودیت های پژوهش های کیفی مانند عدم امکان حذف سوء گیری پژوهشگر و عدم کنترل اعتبار نتیجه گیری محقق، در این پژوهش نیز وجود داشته است، همچنین، یکی از محدودیت های پژوهشگر در انجام این پژوهش، محدودیت در وجود پژوهش های مرتبط با موضوع در خارج و وجود پژوهش های اندک مرتبط با موضوع در داخل بود.

1. Garcini, Short& Norwood
2. Hobbs

۳. وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى.

ملاحظات اخلاقی پژوهش: در امانت‌داری نسبت به نقل مفاهیم دیدگاه‌های مورد مطالعه اهتمام ویژه ورزیده شده است.

سهم نویسندگان: کلیه فرآیند انجام طرح توسط اینجانب به انجام رسیده است.

منابع مالی: این مقاله تحت حمایت مالی-معنوی موسسه ای نبوده و همه‌ی هزینه‌های آن را نویسنده تقبل نموده است.

تعارض منافع: یافته‌های این مطالعه هیچگونه تضادی با منافع شخصی و سازمانی ندارد.

قدردانی: بدین وسیله از همه‌ی صاحب نظران و کارشناسان، که با نظرات ارزشمند خود به غنای طرح افزودند و دست اندرکاران و داوران مجله وزین پژوهش‌های مشاوره تقدیر و تشکر می‌نمایم.

## منابع

- کامو آبر (۱۹۵۷). دلهره هستی، ترجمه محمد تقی ایمان، ۱۴۰۰، تهران، انتشارات آگاه. چاپ هفتم.
- کامو آبر (۱۹۴۷). طاعون، ترجمه رضا سید حسینی، ۱۴۰۰، تهران، انتشارات نیلوفر. چاپ یست و یکم.
- اروین د یالوم (۱۹۸۰). روان درمانی آگزیستانسیال، ترجمه سپیده حبیب، ۱۳۹۳، انتشارات نشر نی، چاپ چهارم.
- پور تنکابنی حسین؛ مسعودی رسول؛ حسینی جهانگیر و شاهرودی سید مرتضی (۱۴۰۰). خلق یا کشف معنا، مطالعه، ارزیابی و هم افزایی دیدگاه‌های اروین یالوم و ویکتور فرانکل پیرامون معنای زندگی در بستر فلسفه و درمان، مجله نقد و نظر، ۲۳ (۴)، ۱۵۸-۱۸۵. [jpt.isca.ac.ir/article\\_71939.html](http://jpt.isca.ac.ir/article_71939.html)
- تری ایگلتون (۲۰۰۷). معنای زندگی، ترجمه عباس مخبر، ۱۳۹۸، انتشارات آگاه.، چاپ پنجم.
- حقانی زمیدانی مجتبی؛ ضمیری فاطمه؛ قاسمی فاطمه؛ خزایی سمانه و عمادی فریناز (۱۴۰۱). منابع معنای زندگی در دانشجویان رشته مشاوره: یک مطالعه کیفی، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، سال ۱۳ (۵۰)، ۲۰۰-۱۵۳. [qccpc.atu.ac.ir/article\\_13918.html](http://qccpc.atu.ac.ir/article_13918.html)
- حسینی، محمد حسن؛ شجاعی، محمد صادق و رحیمی، عبدالله (۱۴۰۲). مدل مفهومی معنای زندگی بر اساس آیات قرآن کریم، مجله اخلاق و حیانی، ۱۳ (۲۶)، ۵-۳۵. [ethics.isramags.ir/article\\_173505.html](http://ethics.isramags.ir/article_173505.html)
- دولتی غزاله؛ نمازی محمود؛ واسعی هادی و ایراندوست محمد حسین (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی مبانی معرفت‌شناسی آگزیستانسیالیسم خداپاور و علامه طباطبایی، فصلنامه فقهی و فلسفی، ۹ (۳۳)، ۷۷-۱۰۴. [journals.iau.ir/article\\_546105.html](http://journals.iau.ir/article_546105.html)

دنیایی محمود (۱۳۹۰). معنای زندگی از منظر سید مح مد حسین طباطبایی، فصلنامه پژوهش‌های فلسفی کلامی - دانشگاه قم، سال ۱۲(۴)، ۲۳-۳۷. [pfk.qom.ac.ir/article\\_121.html](http://pfk.qom.ac.ir/article_121.html)

رضاپور میرصالح، یاسر و رضا زاده احسان (۱۴۰۲). تأثیر مداخله مبتنی بر هستی‌شناسی دینی بر نشانگان بالینی و تفکر وجودی دانشجویان دارای اختلال افسردگی: یک مطالعه موردی خط پایه، فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره، ۲۳(۶۸)، ۴-۳۱. DOI: 10.18502/qjcr.v22i86.13546

ژان پل سارتر (۱۹۴۸). آگزیستانسیالیسم و اصالت بشر، ترجمه مصطفی رحیمی، ۱۴۰۰، انتشارات نیلوفر، چاپ نوزدهم.

سارتر ژان پل (۱۹۵۳). روان‌کاوی وجودی، ترجمه احمد سعادت نژاد، ۱۳۹۵، انتشارات جامی، چاپ سوم.

سارتر ژان پل (۱۹۳۸). تهوع، امیر جلال الدین اعلم، ۱۴۰۱، نشر نیلوفر، چاپ نوزدهم.

سارتر ژان پل (۱۹۸۹). حقیقت و وجود، ترجمه شروین اولیائی، ۱۴۰۱، انتشارات ققنوس، چاپ یکم.

شایان فر شهناز؛ قلعه الهه (۱۳۹۸). مولفه‌های معنای زندگی به روایت اروین یالوم، دوفصلنامه پژوهش‌های هستی‌شناختی، ۸(۱۵)، ۶۷-۹۳. [sid.ir/paper/399361/fa](http://sid.ir/paper/399361/fa)

سید هاشمی محمداسماعیل؛ سمنون مرتضی؛ زری پیشگر و شریفی عنایت الله (۱۳۹۹). معنای زندگی از نگاه اسلام و پیوند آن با سبک زندگی، نشریه پژوهش‌های اعتقادی کلامی (علوم انسانی)، ۱۰(۳۷)، ۲۹-۴۶.

[\(37\)10">sid.ir/paper/379270/fa.46-29](http://sid.ir/paper/379270/fa.46-29);(37)10

صدیقی داود؛ علی زمانی امیر عباس (۱۳۹۵). جعل معنا از نگاه سارتر و نقد و بررسی آن بر اساس مبانی شناخت گرای، پژوهش‌نامه فلسفه دین، دوفصلنامه علمی پژوهشی فلسفه دین، ۴(۱)، ۱۱۹-۱۴۲.

[sid.ir/paper/125922/fa](http://sid.ir/paper/125922/fa)

طاهری سید صدرالدین (۱۳۹۲). جامعیت تفسیر المیزان، مجله سراج منیر، دانشگاه علامه طباطبایی، ۴(۱۲).

طباطبایی سید محمد حسین (۱۳۹۹). تفسیر المیزان (دوره ۲۰ جلدی)، مجلدات ۱، ۴، ۱۲، ۱۱، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۲۰، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، انتشارات دفتر انتشارات اسلامی.

طباطبایی سید محمد حسین (۱۳۹۵). شیعه در اسلام، قم دفتر انتشارات اسلامی، چاپ بیست و ششم.

عسگری یزدی علی؛ پیروزوند سهیلا (۱۴۰۲). بررسی دیدگاه آلبرکامو در معنای زندگی و نقد آن بر اساس آموزه‌های قرآن، مجله قیاسات، ۸(۱۰۸)، ۵-۲۵.

[ensani.ir/file/download/article/652b8ec5a9329-9555-108-1.pdf](http://ensani.ir/file/download/article/652b8ec5a9329-9555-108-1.pdf)

طهماسبی پور، نجف (۱۳۹۹). معنادرمانی از نظر تا عمل از دیدگاه فرانکل، دوفصل‌نامه پژوهش‌های هستی‌شناختی، ۹(۱۸)، ۴۹۹-۵۲۲.

:DOI 20.1001.1.23453761.1399.9.18.9.6

عسگری بابادی مرجان؛ براتی فرج الله؛ شاطری گودرز و خوشخو صادق (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی معنای زندگی از دیدگاه علامه طباطبایی و فردریش نیچه، مجله فلسفه تحلیلی، ۱۸(۴۱)، ۱۵۹-۱۸۴.

[journals.srbiau.ac.ir/article\\_20606.html](http://journals.srbiau.ac.ir/article_20606.html)

کیاشمشکی ابوالفضل؛ بخشایش رضا و عزتی شعار علی (۱۳۹۰). معنای زندگی از دیدگاه علامه طباطبایی و سارتر. دانشگاه معارف اسلامی قم، پایان نامه کارشناسی ارشد.

[ensani.ir/file/download/article/20150304085113-9978-67.pdf](https://ensani.ir/file/download/article/20150304085113-9978-67.pdf)

نوروزی رضا علی؛ کشانی مهدیه (۱۳۸۹). هستی‌شناسی از دیدگاه علامه طباطبایی و آثار و نتایج تربیتی آن، مجله فلسفه و حکمت، ۶ (۲) ۱۳۸-۱۱۹.

هاشمیان مائده؛ نامداری کورش و عابدی احمد (۱۳۹۹). تاثیر درمان مبتنی بر امید بر سلامت روان و معناداری زندگی دانش‌آموزان دختر افسرده، فصلنامه پژوهش‌های مشاوره، ۱۹ (۷۳) ۱۴۵-۱۲۳.

[sid.ir/paper/123516/fa](https://sid.ir/paper/123516/fa)

ویسکرمی حسنعلی؛ منصور لیلیا و روشن نیا سمیه (۱۳۹۶). اثربخشی نقاشی درمانی بر معنای زندگی و سلامت روان دانش‌آموزان دختر دارای پیشرفت تحصیلی پایین، فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی، ۸ (۳۲) ۶۲-۳۹.

[sid.ir/paper/214010/fa](https://sid.ir/paper/214010/fa)

Braun, V, & Clarke. B. (2006). Using thematic analysis in psychology Qualitative research in psychology. *Qualitative Research in Psychology* 3 (2): 77-101.

Bunin, N & Yu, J. (2004). *The Blackwell Dictionary of Western Philosophy*, Blackwell Publishing. p: 236.

Camus, A. (1970). cited in A. Jaffe; *The Myth of Meaning in the work of C. Jung* (London: Hodden & Stoughton).

Camus, A. (1955). *The Myth of Sisyphus and Other Essays* (New York: Alferd a.Knopf).

Dulaney, E. S. Graupmann, V. Grant, K. E. Adam, E. K. & Chen, E. (2018). Taking on the stress-depression link: meaning as a resource in adolescence. *Journal of adolescence*, 65, 39-49.

Dursun, P., Alyagut, P., & Yilmaz, I. (2022). Meaning in life, psychological hardness and death anxiety: individuals with or without generalized anxiety disorder (GAD). *Current psychology*, 41(6), 3299-3317. pubmed. ncbi.nlm.nih.gov/35035188/

Flick, U. (2006). *An Introduction to Qualitative research*, Sage Publication LTD.

Haque, A, & Reyaz, A. (2022). *The Existential Predicament: Finding Meaning in a Meaning less World*. The Creative launcher.

Hobbs, N. (1962). Sources of Gain in Psychotherapy, *American Psychologist*; 17:742-48.

King, L. A., & Hicks, J. A. (2021). The science of meaning in life. *Annual review of psychology*, 72, 561-584.

Li, J. B. Salcuni, S. & Delvecchio, E. (2019). Meaning in life, self-control and psychological distress among adolescents: A cross-national study. *Psychiatry research*, P: 122-129.

Michelman, S. (2008). *Historical Dictionary of Existentialism*, the; Scarecrow Press.

[psycnet.apa.org/record/1963-06848-001](https://psycnet.apa.org/record/1963-06848-001)

[pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/30580135/](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/30580135/)

- Saldana, J. (2009). *The coding manual for qualitative researchers*. London: Sage Publications.
- Sartre, J.P.) 1955.) *No Exit and Three Othre Plays* (New York: Vintage Books).
- Sartre, jean paul. (1992). *bing and nothingness*, translated by hazel E.barnes, New York, Washington square press, P:681-683.
- Susi G, & Darach, T. (2003). *Grounded theory in sales research: an investigation of salespeople's client relationships*, *Journal of Business & Industrial Marketing* Volume 18 Number 6/7. P: 580-594.

